

نقش و اهمیت احیای محله محوری در توسعه فرهنگی و اجتماعی شهر

حمید رزاقی

کد خبر: ۱۱۵۲۱۳

تاریخ: ۲۹ فروردین ۱۴۰۰ - ۱۰:۲۳



امروزه محله محوری جایگاه و اهمیت ویژه در سیاستگذاری و برنامه ریزی و توسعه فرهنگی و اجتماعی شهر پیدا کرده است که ریشه در انتقادهای فراوان به رویکرد توسعه کالبدی و فیزیکی شهر دارد.

رویکرد کالبدی و فیزیکی در شهرسازی ویژگی هایی دارد که سه ویژگی جدایی و فاصله زیاد محل کار از محل سکونت، تقدم اتومبیل بر انسان و فاصله دسترسی به مغازه ها، فروشگاه ها و خدمات عمومی از محل سکونت اهم آن محسوب می شوند. در نگاه توسعه کالبدی شهر به عناصری نظیر همبستگی اجتماعی، احساس تعلق، صمیمت، روابط یاریگرانه، حفظ خاطرات و میراث فرهنگی شهر و تسهیل دسترسی به خدمات عمومی وقعی گذاشته نمی شود، به طوری که همه چیز در آن به مناسبات عقل اقتصادی و محاسبه عقلانی تقلیل می یابد نتیجه چنین توسعه ای به احساس بیگانگی، دزدگی، سرخوردگی، بی تفاوتی، بی هویتی، فردگرایی خودخواهانه و یا رفتارهای پرخاشجویانه در میان شهرنشینان دامن می زند. این رویکرد شهر را بسان یک جسم می بیند و جان و روح شهر را نادیده می انگارد.

در شهر کالبد محور، گویی این اشیاء و سازه ها هستند که با یکدیگر مرتبط اند و نه آدمیان و روابط آن ها معنای انسانی و صمیمانه خود را از دست داده است. گویی این سازه ها هستند که با هم سخن می گویند و نه آدمیانی که آن ها را آفریده اند. از هر سو شهر رو به گسترش است و محدوده ای بر آن متصور نیست. از همه جا بلند مرتبه ها از زمین به آسمان سر کشیده اند و خط افق و محل تلاقی آسمان و زمین را مخدوش کرده و از هم گسیخته است و احساس زیبایی شناسی و آرامش ساکنان را از میان برده است. این عنان گیسختگی و آشفتگی در اغلب کلان شهرهای ایران با آلودگی هوا همراه و عجین است. به طور مثال آسمان در شهر تهران دیگر حضور ندارد و کوه های شمال تهران دیگر چندان قابل رؤیت نیست. این معماری بی در و پیکر و آشفته که طی سال ها بر روی هم انباشته و گسترده شده آنقدر حضور دارد که احساس حیات، سر زندگی و حس زیبایی شناسی را از شهروندان گرفته است و نوعی فرسودگی و پریشانی در اذهان و روان ها جاری کرده و بدتر از آن زمختی و زشتی را در دیدگان عادی جلوه داده است. بزرگراه ها، تونل ها و پل های بتنی و فلزی در هم پیچیده بهم شرق و غرب و شمال و جنوب شهر را در می نوردند و آدمیان را تابع و مقهور خویش ساخته اند. این سازه ها هستند که بر هستی و جان و روان شهرنشینان فرمان می رانند و آن ها را از طبیعت وجودی خویش تهی کرده اند. طبیعت درونی آدمی و طبیعت بیرونی در شهر رخت بر بسته است و رابطه انسان با خودش با همشهریان، با میراث گذشته اش، با طبیعت و با آفریدگار هستی را خفیف و سطحی ساخته و تنزل داده است.

در گذشته محله ها، پایه های زندگی ارگانیک شهری به شمار می رفتند و هستی و حیات اجتماعی شهر را قوام می بخشیدند. محله ها در شهرنشینی گذشته تنها مکانی کالبدی و فیزیکی نبودند، بلکه ابعادی فرهنگی و اجتماعی داشتند. این ابعاد بر عناصری مانند تعلق، همبستگی، هویت، همدلی، همیاری و مودت و هم چنین دسترسی آسان و نزدیک به محل کار و بازار استوار بودند. این محلات به مرور به سبب رویکرد کالبد محور حاکم بر شهر سازی مبتنی بر کارایی اقتصادی، عقل ابزاری، جدایی گزینی فعالیت ها و

تسلط اتومبیل بر انسان رو به نابودی گذارده و در این روند ابعاد و عناصر فرهنگی و اجتماعی آن ها نیز بسیار تخریب گردیده است.

در واکنش به چنین تخریبی، جنبش شهر گرایی جدید (New urbanism) در نقد شهر سازی کالبد محور پدیدار شد و به تولید رهیافت نوینی در شهرسازی و توسعه شهری دست یافت که بر ضرورت زنده سازی و احیای محله ها و اهمیت آن ها در حفظ حیات پویای شهر و نهادهای اجتماعی و فرهنگی آن ها در قامتی جدید تأکید بسیار دارد. توجه و تأکید شهرگرایی جدید به روابط صمیمانه، دسترسی پیاده به خدمات عمومی، تقدم پیاده بر سواره، گسترش وسایل حمل و نقل عمومی، حفظ زمین های با ارزش کشاورزی و مزایای ناشی از سرمایه اجتماعی مانند تسهیل کنش های جمعی و بین فردی موجبات بازسازی زندگی اجتماعی و سرشاری جریان حیات شهری و رضایت از زندگی را در قالب محله محوری فراهم می آورد. هدف «شهر شورایی جدید» و «نوشهرگرایی» بازسازی تمامی ساحت های مادی و معنوی حیات شهری با رهیافت محله محور است.

محله گرایی در برابر تمرکز گرایی قرار دارد. محله گرایی به نوعی مفهوم مشارکت را در اذهان تداعی می کند. پیامدهای صنعتی شدن و شهرنشینی کالبد محور نه تنها مرزهای سنتی محلات، بلکه هویت فرهنگی و اجتماعی آن ها را فرو ریخت و یا به تضعیف کشاند. برخی از صاحب نظران بر این باورند که چنین تحولی به صورت جبری در اثر فرآیند مدرنیزاسیون شکل گرفته و تثبیت شده است، لذا تکرار محله گرایی امکان ناپذیر است. بعضی دیگر از اندیشمندان حوزه شهری هر چند بازگشت به نظام محله ای سنتی را نشدنی می دانند، اما خواهان بازخوانی، احیاء و توسعه نظام سنتی در جریان شهری شدن جدید هستند که آن را در قالب رهیافت شهرگرایی جدید عرضه می کنند.

محله گرایی نوین در واقع پاسخی بر بیش از یک قرن تمرکز گرایی در توسعه شهری، کالبد محوری و بی توجهی به توسعه فرهنگی و اجتماعی و هم چنین به حاشیه رانده شدن خواسته ها و نیازهای شهروندان از یک سو و از سوی دیگر ضرورت مشارکت مؤثر آن ها در تعیین سرنوشت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سیاسی است.

از آن جا که محله، اجتماعی کوچک ولی همبسته بوده و تأمین نیازهای مادی و معنوی آن بر همکاری و هماهنگی میان ساکنانش استوار است، لذا محله گرایی می تواند از یک سو به تقویت و توسعه فرهنگی و اجتماعی محلات شهر در وجوه امنیت، آرامش، هویت بخشی، انسجام، اعتماد اجتماعی و نشاط جمعی در قالب نهادهای منبعث از محله منجر شود و از سوی دیگر توسعه یکپارچه کلیت شهر را تضمین نماید. در رویکرد شهرگرایی جدید عقلانیت ابزاری و عقلانیت فرهنگی در تعارض با یکدیگر قرار نمی گیرند، بلکه با مشارکت فعال اهالی محله در تعادلی هم وزن بسر می برند و در خدمت بهزیستی شهروندان راه توسعه شهری را می گشایند.

احیای محله ها یکی از راه های کاهش مسافت و زمانی است که در ترافیک سرسام آور به هدر می رود. محله ها می تواند تقاضای مسکن را با فراهم کردن انواعی از مساکن متناسب با توانمندسازی مشارکتی اهالی برآورده سازند و با تجمیع نیازهای سکونت، شغلی، آموزشی و تفریحی از پراکندگی شهر جلوگیری کنند. با انسانی شدن هر چه بیشتر زندگی در محله ها، مراکز و نهادهای فرهنگی و اجتماعی دیرپا می توانند بار دیگر اهمیت خود را در پیوند با نهادهای فرهنگی و هنری نوپا در زندگی شهری بازابند و در ایجاد نظم عمومی و امنیت اهالی نقش بازی کنند و به تبع آن در کاهش و پیشگیری از آسیب ها و کجروی های اجتماعی مؤثر واقع شوند. نهادهای اجتماعی و فرهنگی محلی می توانند برنامه های تفریحات سالم برای کودکان، نوجوانان و جوانان را متناسب با نیازهای جدید فراهم کنند و بدین طریق مانع رشد گرایشات و رفتارهای خلاف عرف اجتماعی شوند.

سازمان یافتگی شهر مبتنی بر محله محوری، این امکان را مهیا می سازد که تواناسازیِ اقشارکم درآمد و آسیب پذیر میسر شود و مشارکت اهالی در حوزه سلامت و بهداشت عمومی و گرایش به حفظ محیط زیست شهری و طبیعت تقویت گردد.

محله گرایی نوین در اداره شهر از سنت های پایدار محله ای آغاز می کند و تلفیق رویه های مشارکت معنادار بومی و مدرن را فرا راه فعالیت های شهری قرار می دهد. در مشارکت محلی فاصله میان مردم، متخصصان و مدیریت شهری برداشته می شود و تعامل ارگانیک بین آن ها ملاک توسعه شهری قرار می گیرد. محله گرایی به معنای افزایش سطح مشارکت شهروندان به عنوان مهم ترین شاخص توسعه فرهنگی و اجتماعی است که دستاوردهای مهم آن را می توان به شرح زیر برشمرد:

- مشارکت اهالی محله ها در تصمیم سازی، سیاستگذاری، اجرا و نظارت بر برنامه ها و پروژه های کالبدی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی

- افزایش تعلقات شهروندان به محله، شهر و افزایش سطح سرمایه اجتماعی و اعتماد جمعی و بین فردی

- افزایش سطح امنیت اجتماعی محلات

- حفظ و تقویت هویت و میراث فرهنگی محلات

- توزیع عادلانه جغرافیایی در بهره مندی امکانات و خدمات شهری

- رسیدگی فعال و مشارکتی به آسیب های اجتماعی و حمایت از آسیب دیدگان

- تقویت فرهنگ تقدم پیاده بر فرهنگ سواره و اتومبیل

- دسترسی سریع به خدمات عمومی و مغازه و فروشگاه ها

- کوتاه شدن فاصله زمانی و مکانی محل سکونت از محل کار

- پرهیز از پراکندگی شهری و مشخص شدن مرز و محدوده شهری

در راستای رهیافت شهر گرایی جدید، ابعاد و شاخص های توسعه محله گرایی شهری به شرح ذیل معرفی می شود:

- **تعلق و همبستگی:** هویت عام (تعلق به کشور یا تعلق ملی)، تعلق به شهر و تعلق به اجتماع محلی (اعتماد متقابل و سرمایه اجتماعی محلی)

- **قوانین و مقررات شهری:** نرخ کاهش تخلفات ساختمانی و شهرسازی، نرخ استانداردهای ایمنی و مقاومت ساختمان ها و بناها، نرخ قانونمداری صنوف، نرخ کاهش مزاحمت های همسایگی، نرخ کاهش فعالیت های صنعتی مخاطره آمیز، نرخ قانون مداری مؤسسات خصوصی و عمومی

- **شورایاری فعال و متعامل:** در ارتباط و تعامل با اهالی ساکن محل، در ارتباط و تعامل با تشکل های مردم نهاد و اصناف، در ارتباط و تعامل با شورای شهر، در ارتباط و تعامل با شهرداری، در ارتباط و تعامل با سازمان ها و نهادهای دولتی، در ارتباط با مؤسسات خصوصی

- **توانایی و توانمندی شورایی محله:** در اطلاع رسانی، در شبکه سازی نهادهای محلی، در تقویت روحیه مدنی و مشارکت اهالی و همسایگان، در طرح مسائل و مشکلات محله، در ارائه راه حل برای کاهش مشکلات محله، در تشویق و جذب و بهره برداری از ایده ها و طرح های اهالی، در سازماندهی اهالی و اقدامات و فعالیت های محله محور

- **میزان مشارکت جمعی اهالی در فعالیت های محلی:** در سازماندهی خود، در سازمان های مردم نهاد، در فعالیت های (عمرانی، بهداشتی و محیط زیست، زیباسازی، اجتماعی و رفاهی و ورزشی و تفریحی، آموزشی و فرهنگی و هنری، ایمنی و سوانح و فوریت ها، امور خیریه و رسیدگی به اقبال کم در آمد)

- **سلامت و بهداشت عمومی محله:** نظافت خیابان ها، میادین، جوی ها، معابر و پیاده روها، وضعیت دفع فاضلاب، وضعیت جمع آوری و دفع زباله و تفکیک آن از مبدأ، مبارزه با جانوران و حشرات موزی

- **استحکام عمرانی محله:** میزان مقاومت آپارتمان ها، پل ها مغازه ها و فروشگاه ها، نرخ نوسازی بافت های فرسوده

- **سلامت بصری و زیبایی شناسی محله:** نمای بیرونی ساختمان ها، آپارتمان ها، اماکن عمومی و تجاری، وضعیت سیمای بالکن هاو پشت بام ها، وضعیت سیمای معابر، پل ها، پیاده روها و خیابان ها، تبلیغات محیطی و بصری، نرخ فضای سبز، پارک ها و بوستان ها

- **نرخ آسیب های اجتماعی محله:** میزان نرخ کاهش جرایم (قتل، سرقت، روسپی گری، خودکشی و قاچاق مواد مخدر و...)، میزان نرخ کاهش رفتارهای ضد اجتماعی و وندالیسم، میزان نرخ کاهش اعتیاد، میزان نرخ کاهش تکی گری، کارتن خوابی و خیابان خوابی، میزان نرخ کاهش فقر نسبی و مطلق، میزان احساس امنیت اجتماعی

- **میزان دسترسی به خدمات رفاه اجتماعی- بهزیستی و فوریت ها:** میزان دسترسی به بیمارستان ها، درمانگاه ها، خانه های بهداشت، مهد کودک ها، خانه های سالمندان، خدمات روانشناسی و مشاوره ای، گرم خانه ها، مراکز ترک اعتیاد، کاریابی ها، کارگزاری ها، پست و مخابرات، دفاتر خدمات قضایی، حمل و نقل عمومی، پارکینگ های عمومی، فضاهای سبز و بوستان ها، آتش نشانی، ستادهای مقابله با سوانح و بلایای طبیعی و شهری و...

- **میزان دسترسی به اماکن و بازارهای توزیع کالا و خدمات:** میادین میوه و تره بار، سوپر مارکت ها و فروشگاه ها، اغذیه فروشی ها و رستوران ها، تعمیرگاه ها، آرایشگاه ها و...

- **میزان دسترسی به مراکز آموزشی:** دبستان، دبیرستان هنرستان، دانشگاه، آموزشگاه ها فنی و حرفه ای و...

- **میزان دسترسی به مراکز فرهنگی هنری و تفریحی:** مساجد، کتابخانه ها، سینما ها و آمفی تئاتر ها، فرهنگسرا ها و خانه های فرهنگ، موزه ها، کتابفروشی ها، دکه های روزنامه فروشی، باشگاه ها و سالن های ورزشی، خدمات توریستی و گردشگری، مراکز تفریحی و شهرسازی ها، کافی نت ها و...